

تعامل بانک و بورس با رویکرد اسلامی

علی حسین قاسمی^۱

چکیده

بازارهای مالی در جهان بر دو پایه و ستون استوار است، یکی بر اساس پایه پولی، دوم بر اساس اوراق بهادار؛ یعنی یا بازار پول در این نظامها محوریت دارد و یا بازار سرمایه در مبادلات نقش اصلی را ایفا می‌کند. در ادبیات اقتصادی موجود بانک به منزله نماد بازار پول، و بورس به منزله نماد بازار سرمایه معرفی می‌شود. لذا شناخت بازار پول بدون شناخت بانک، و سازوکار حاکم بر آن به درستی امکان ندارد، شناخت بازار سرمایه نیز بدون شناخت بازار بورس، امکان‌پذیر نخواهد بود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، به دنبال تبیین رابطه بین بانک و بورس در اقتصاد اسلامی است. با توضیح و معرفی هریک از گزینه‌های بانک، بورس، و چگونگی تعامل آن‌ها از نگاه اقتصاد اسلامی بررسی گردید؛ و معلوم شد که این دو نهاد اقتصادی می‌تواند در بعضی موارد باهم در رقابت باشند و در موارد دیگر مکمل همدیگر باشند و باعث رونق و شکوفایی بیشتر اقتصاد گردد.

واژگان کلیدی: بانک، بورس، اقتصاد اسلامی، تعامل بانک و بورس.

مقدمه

رشد جمعیت و تنوع نیازهای بشر در جهان امروز باعث گردیده که تأمین این نیازها جز با عرضه خدمات و تولیدات اساسی به شکل انبوه میسر نباشد. در چنین شرایطی برای ایجاد یا توسعه فعالیت‌های یک واحد صنعتی، بازرگانی و یا مالی لازم است، عوامل و امکانات پراکنده به نحوی جذب شوند و در جهت ایجاد یا تقویت آن واحد مورد استفاده قرار گیرند. از جمله این عوامل سرمایه است که باید به شریان واحدهای فعال اقتصادی تزریق شود تا دستمایه لازم برای تداوم و توسعه آن‌ها فراهم آید. بانک و بورس می‌توانند نقش مثبتی در این زمینه‌ها داشته باشند تا از طریق واگذاری وام‌ها و یا فروش سهام واحدها به مردم سرمایه‌های مالی مورد نیاز جامعه را فراهم نمایند؛ و موجب رشد و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی گردد. لذا مناسب است که:

اولاً، تعامل بانک و بورس از نگاه اقتصاد اسلامی بررسی شود تا روشن گردد؛ که آیا این دو نهاد اقتصادی باهم ارتباط دارند یا نه؟

ثانیاً، در صورت که تعامل داشته باشند آیا این تعامل و ارتباط به عنوان مکمل است یا رقیب؟
ثالثاً، از نگاه اقتصاد اسلامی کدام یک از این نهادها باعث رونق و شکوفایی بیشتر اقتصاد در جهان می‌گردد؟

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. اقتصاد اسلامی

دین اسلام، یک آیین انسان‌ساز و تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت برای بشر قلمداد می‌گردد. این مسئولیت گران‌سنگ اقتضا می‌کند که شریعت باید تبیین‌کننده اصولی باشد که راه زندگی صحیح، و روش‌های کسب حلال و اداره شئون اقتصادی جامعه را بر اساس معیارهای دینی نشان دهد؛ این اصول، در بطن آیات قرآن کریم و روایات اسلامی و قواعد کلی فقه اسلامی قرار دارد. یکی از موضوعات که اندیشمندان اسلامی در باره‌اش نظر داده‌اند اقتصاد اسلامی است که به اختصار به برخی از تعاریف آن اشاره می‌گردد.

از نگاه شهید صدر، علم اقتصاد با مکتب اقتصادی فرق دارد؛ لذا ایشان می‌فرماید: «مکتب

اقتصادی» عبارت است از شیوة حل مسائل اقتصادی و علمی که در هر جا به نحوی از آن پیروی می شود. اما «علم اقتصاد» دانشی است که پدیده های اقتصادی را تفسیر و روابط آنها را بایکدیگر تعیین می نماید. (صدر، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۶).

یکی دیگر از اندیشمندان اسلامی چنین تعریف نموده است: اقتصاد اسلامی، به نظامی گفته می شود که توزیع ثروت و درآمد را میان همه افراد جامعه سامان می دهد و امکان کسب درآمد و بهره مندی از آن را فراهم می سازد. (محمود الخالدی، ۱۹۸۴، ص ۳).

اما به نظر می رسد که بهترین تعریف عبارت است از: «نظام اقتصادی اسلام مجموعه ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی است که در حوزه تولید، توزیع و مصرف از آیات و روایات به کمک تحلیل های عقلی استنباط می شود. این الگوها و رفتارها بین افراد یک نظام در جهت اهداف مورد نظر، پیوندی ایجاد می کند که مبتنی بر مبنایی بینشی و مکتبی آن نظام است». (www.eghtsadonline.com)

در یک نگاه جامع تر می توان اقتصاد اسلامی را اقتصادی واقع گرا، و اخلاق گرا و دانش مدار دانست.

۲-۱. بانک

تعریف گوناگونی برای بانک ارائه شده که برخی از آنها عبارتند از: بانک ها مؤسساتی هستند که به دادوستد پول می پردازند. (بهنیا، بانکداری علمی، ص ۱) بانک ها نظیر بازرگانانی هستند که کار اصلی آنها وام گرفتن و وام دادن پول است، همان گونه که بازرگانان با خرید کالا و فروش آن به قیمت بالاتر سود می برند، بانک ها نیز با پذیرفتن سپرده و وام دادن با سود بیشتر، منفعت می کنند. (فرجی، ۱۳۸۶، ص ۶۶).

بانک یک مؤسسه خدماتی است که ضمن گردآوری سپرده ها یا تجهیز منابع از طریق اشخاص (حقیقی و حقوقی)، نسبت به اعطای تسهیلات یا تخصیص منابع در بخش های مختلف اقتصادی (بازرگانی، تولیدی، خدماتی) با رعایت سیاست های پولی و اعتباری اقدام نموده و علاوه بر آن موجبات تسهیل در دریافت ها و پرداخت ها و سایر خدماتی را فراهم سازد که در چارچوب اساسنامه و قوانین و مقررات ناظر به خود برعهده دارد. (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵) از تعاریف یادشده می توان نتیجه گرفت که بانک عمدتاً یک مؤسسه مالی واسطه، میان

عرضه‌کنندگان وجوه و متقاضیان آن می‌باشد. این مؤسسه مالی وجوه خرد و کلان افراد را تحت عناوین گوناگون جذب کرده، ضمن ارائه خدمات بانکی به آنان، منابع جذب‌شده را در قالب وام، اعتبار و قراردادهای متنوع، به متقاضیان سرمایه برای فعالیت‌های صنعتی، تجاری و بعضاً مصرفی پرداخت می‌کند.

۳-۱. بورس

فرهنگ دهخدا بورس را این گونه معنی کرده است: «بورس مأخوذ از فرانسه می‌باشد و بازاری است که دادوستد و معامله در آن جا انجام می‌گیرد. (دهخدا، ج ۷، واژه بورس) بازار بورس اسلامی بازاری است که در آن فعالیت‌ها و قراردادهای مورد استفاده بر اصول اسلامی و شریعت اسلام مبتنی است. (موسویان، ۱۳۹۳، ص ۲۷). امروز بورس یک نهاد سازمان‌یافته و اساسی در بازار سرمایه محسوب می‌شود و درکنار سایر مؤسسات و سازمان‌ها، وظایف چندگانه‌ای را برعهده دارد. که یکی از کارکردهای مهم آن جمع‌آوری سرمایه‌ها و پس‌اندازهای کوچک برای تأمین سرمایه مورد نیاز فعالیت‌های اقتصادی است.

۲. بانک به عنوان مکمل یا رقیب بازار بورس

به‌طورکلی، بانک‌ها به عنوان مؤسسات واسطه، درکنار بخش‌های مالی دیگری فعالیت می‌کنند و از آن جا که هر یک از نظام‌های بانکی (بازار پول) و بازار بورس، بخشی از نیازهای جامعه را تأمین می‌کنند، تعامل آن‌ها می‌تواند با ابزارهای متفاوتی، پاسخ‌گوی نیازهای متنوع بازار باشند. درحالی که وجود بازار بورس درکنار بانک‌ها به منظور تجهیز منابع مالی بلندمدت، زمینه توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند؛ بازار بورس بخش فزاینده‌ای از پس‌اندازها را به سمت سرمایه‌گذاری‌ها هدایت می‌کند.

این گونه تعامل‌ها باعث هم‌افزایی توان هر دو نهاد می‌شود و همکاری بازارها می‌تواند از تداخل وظایف و دوباره کاری جلوگیری کنند. و می‌توان گفت که نظام بانکی مکمل خوبی برای بازار بورس در جهت جذب سرمایه‌های مازاد جامعه و تأمین مالی طرح‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت محسوب می‌شود. عکس این قضیه نیز درست است. گاهی بانک‌ها و بازار بورس در تأمین منابع مالی رقیب یکدیگرند و اصولاً رقابت میان بازارهای مالی موجب بهبود فعالیت،

ایجاد خلاقیت و ارائه خدمات هر چه بهتر به متقاضیان با هزینه کمتر خواهد شد و این خود، زمینه توسعه بازارهای مالی و همچنین توسعه و رونق اقتصادی را فراهم خواهد کرد. (نظرپور، کیاء الحسینی و میثم حقیقی ۱۳۹۲، ص ۴۱-۶۵)

بر اساس مباحث یادشده نظام بانکی چه در نقش مکمل و چه در نقش رقیب بودن بازار بورس، تکمیل کننده بازار بورس است. به این صورت که زمانی که بانک در نقش مکمل بازار بورس است، نیازهای مالی ای را تأمین می کند که تکمیل کننده فعالیت های بازار بورس در این زمینه است؛ و در حالتی که در نقش رقیب برای بازار سرمایه است، باعث رونق فعالیت های بازار سرمایه می شود و این امر، رشد و توسعه اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. (مهدوی نجم آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳).

۳. چگونگی تعامل بانک با بورس در اقتصاد اسلامی

۳-۱. انتشار ابزارهای مالی جدید بین بانک، بورس

در حال حاضر، بانک ها و بنگاه های اقتصادی به دلایلی، مانند، افزایش تقاضا برای تسهیلات، وجود فاصله زمانی در سررسید سپرده ها و تسهیلات، عدم بازپرداخت تسهیلات از سوی مشتریان و افزایش مطالبات معوق، با مشکل کمبود نقدینگی مواجه اند، اگر بخواهیم این نقصان نقدینگی را جبران کنیم راه چاره اش این است که ابزارهای مالی جدید و متنوع را کشف و اختراع نمایم، اما کشورهای اسلامی همیشه این دلهره و نگرانی را دارند که آیا تأمین مالی از طریق شیوه های متعارف، با فقه و شریعت اسلامی مطابقت و سازگاری دارند؟ یا این که این ابزارها نیز مانند ابزارهای اقتصاد سرمایه داری و غرب (مثل اوراق قرضه ربوی)، با فقه و شریعت اسلامی در تضاداند؟ بدون شک، تمام این ابزارها در کشورهای اسلامی قابلیت استفاده را ندارد؛ زیرا بازارهای مالی دنیا عمدتاً بر اساس نرخ بهره کار می کنند و در این بازارها، این نرخ بهره است که موقعیت دارایی ها و بدهی ها را تعدیل می کند. (صالح آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۱). ولی اسلام بهره و ربا را ممنوع و حرام شمرده؛ اما کاسبی و تجارت را مجاز بلکه تشویق کرده است، ممنوعیت و حرمت بهره، سبب وابستگی بیشتر به سهام و تأمین مالی مبتنی بردارایی شده است. (سلمان، ۱۳۸۶، ص ۴).

برای روشن‌تر شدن رابطه بانک و بورس به نمونه‌های از این روابط با انتشار اوراق بهادار اسلامی توسط بانک‌ها در بازار بورس اشاره می‌گردد.

الف) انتشار اوراق بهادار اسلامی بر اساس تسهیلات بانکی توسط بانک‌ها در بازار بورس. اسلام دین عقلانیت است نه انحصارگرایی؛ لذا مسلمانان را در چارچوب و دایرة قراردادهای رایج و معمول در عصر رسالت محصور نکرده، بلکه همه قراردادهای عقلایی را با رعایت معیارها و قوانین اسلامی جایز دانسته است، علاوه بر این، دانشمندان را به تعقل و تفکر و طراحی ابزارهای نوین مالی و ابداع قراردادهای متناسب با عصر خود فراخوانده است. «از نظر فقه اسلام، تمام معاملات عقلایی در هر عصر و زمانی صحیح است، مگر این‌که از معامله‌ای به صورت خاص یا در ضمن دلیل عام، نهی شده باشد» (موسویان، ۱۳۹۰، ص ۳۳)

از سوی دیگر بانک‌داری اسلامی نسبت به بانک‌داری غرب، از تجربه زیادی برخوردار نیست و بیشتر کارکردها در نظام اقتصادی غرب، مبتنی بر نرخ بهره می‌باشد. بانک‌های اسلامی برای وارد شدن به بسیاری از فعالیت‌های بانکی غرب با چالش‌های زیادی مواجه هستند؛ ولی اختراع روش اوراق بهادار اسلامی (صکوک)، از فعالیت‌های موفق بانک‌داری اسلامی برای ورود به بازار بورس است؛ به گونه‌ای که بنابر آمار به دست آمده از سایت اخبار مالی اسلامی، تا سپتامبر ۲۰۰۹م، کشورهای مالزی، عربستان سعودی، اندونزی، بحرین، و پاکستان حدود ۱۱۸۵۰ میلیون دلار در اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. (www.islamicfinancenews.com)

علاوه بر فعالیت دولت‌ها و مؤسسات اسلامی، دولت‌های آمریکا، انگلستان و آلمان نیز از ابزار صکوک برای تأمین مالی فعالیت‌های خود استفاده کرده و در این زمینه به موفقیت‌های زیادی نیز دست پیدا کرده‌اند و این بهترین سند و مدرک است برای بهتر بودن اوراق بهادار اسلامی (صکوک) نسبت به اوراق قرضه ربوی.

ب) انتشار اوراق بهادار اسلامی توسط بانک‌ها در بازار بورس بر اساس سپرده‌های بانکی بانک‌ها برای تنظیم صحیح گردش پول و استقرار نظام پولی و اعتباری صحیح، متناسب با برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت، به تجهیز وجوه مازاد بر هزینه‌های جاری اشخاص و مؤسسات می‌پردازند، تا این وجوه را در اختیار اشخاص و مؤسساتی که نیاز به سرمایه و منابع

مالی دارند، قرار دهند. بانک‌ها طبق قانون می‌توانند انتشار «اوراق قرض الحسنه پس‌انداز» را برای جذب پس‌اندازهای قرض الحسنه بپردازند و «اوراق سپرده مبادله‌ای و مشارکتی» را برای جذب سپرده‌های مدت‌دار منتشر کنند و این اوراق را به صاحبان حساب‌ها واگذار کنند. فرآیند این عملیات به صورت زیر است:

اوراق قرض الحسنه پس‌انداز: گواهی قرض الحسنه بدون رباست که براساس قرارداد قرض بدون بهره و به در خواست سپرده‌گذار توسط بانک منتشر می‌شود و به موجب آن، ناشر اوراق به میزان ارزش اسمی آن به دارنده اوراق بدهکار است و باید در سررسید، بدهی خود را به دارنده اوراق بپردازد. از سوی بانک براساس قرارداد، سپرده مشتری را که به قصد خیرخواهانه نزد بانک سپرده‌گذاری کرده است برای مدتی معین نزد خود نگه می‌دارد و در برابر آن، اوراق قرض الحسنه پس‌انداز را به صاحب حساب واگذار کند. سپرده‌گذار نیز به عنوان مشتری و براساس قرارداد تنظیم شده بین بانک و مشتری، در قالب سپرده پس‌انداز، منابع مالی خود را نزد بانک قرار می‌دهد و اوراق قرض الحسنه را از بانک به عنوان بازار اولیه دریافت می‌کند و در زمان از سررسید با واگذاری اوراق به بانک، اصل سپرده خود را می‌گیرد. دارنده اوراق قرض الحسنه می‌تواند اوراق مزبور را پیش از سررسید، در بازار بورس به عنوان بازار ثانوی اوراق و با همان قیمت به شخص یا اشخاص دیگر واگذار کند و اصل مبلغ سپرده خود را از بازار ثانوی به دست آورد. انتشار اوراق قرض الحسنه، بسته به شرایط خاص جامعه دارد، و می‌تواند یکی از وسایل ارتباطی مناسب بین بانک‌ها و بازار بورس در جامعه اسلامی باشد.

اوراق سپرده مبادله‌ای و مشارکتی: سپرده‌های بلندمدت همیشه منبع قابل باور برای تجهیز منابع بانک‌ها بوده است، سپرده‌های مدت‌دار هر چه دارای سررسید طولانی‌تری باشد، برای فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها مفیدتر خواهد بود، بانک‌ها افرادی را که پیش از زمان سررسید، از سپرده خود برداشت می‌کنند، جریمه می‌کنند و این کار از میزان سودی که طبق قرارداد، قرار بود به آنان پرداخت کنند، می‌کاهند؛ برای حل این مشکل، بانک‌ها می‌توانند در جهت افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری مردم در بانک‌ها، «اوراق سپرده‌ای مبادله‌ای» و «اوراق سپرده‌ای مشارکتی» منتشر کنند این اوراق اسنادی با قیمت‌های یکسان است، که بانک‌ها می‌توانند با نام متقاضیان یا بی‌نام صادر کنند، در اوراق سپرده‌ای مبادله‌ای، دارندگان اوراق در زمان سررسید، سود ثابت

دارند و دارندگان اوراق سپرده‌ای مشارکتی، بنابر شرایط خاصی که برای هر سری اوراق معین می‌شود، شریک سودهای حاصل از هر سال عقود مشارکتی‌اند، دارندگان اوراق مبادله‌ای یا مشارکتی می‌توانند اوراق مزبور را پیش از سررسید، در بازار بورس به‌عنوان بازار ثانوی اوراق به شخص یا اشخاص دیگر واگذار کنند. (نظریور، یوسفی و حقیقی، ۱۳۹۱) و از این طریق می‌توانند بانک‌ها با بورس در ارتباط شوند.

۳-۲. سرمایه‌گذاری در بازار بورس، توسط بانک‌های اسلامی

گاهی بانک‌ها با مازاد منابع روبه‌رو می‌شوند که در این صورت، نگهداری پول نقد برای بانک، هزینه فرصت بالایی را به دنبال خواهد داشت، و به ضرر بانک و سپرده‌گذاران خواهد بود، در چنین مواردی بانک‌های ربوی دو کار انجام می‌دهند:

بخش عمده منابع خویش را اعم از منابع بانک و منابع حاصل از سپرده‌های مردمی، را به‌صورت وام و اعتبارات در اختیار متقاضیان و بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌دهند و بخش دیگر مازاد این منابع را بر روی اوراق بهاداری همچون اوراق قرضه و اوراق سهام ممتاز و در موارد خاصی روی اوراق سهام عادی سرمایه‌گذاری می‌کنند (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۴۸) که ماهیت حقوقی بیشتر این موارد قرض همراه با بهره است که از دیدگاه اسلام ربا شمرده می‌شود و قابل استفاده در کشورهای دارای اقتصاد اسلامی نیست.

محققان اسلامی راهکارهایی را مطرح کرده‌اند که بانک می‌تواند با تخصیص منابع مازاد خود، به خرید اوراق بهادار اسلامی، مانند مرابحه، استصناع، سلم، اجاره، مشارکت، و مضاربه، اوراق سهام شرکت‌ها پردازد و همه منابع مازاد و راکد خود را به منابع سودآور تبدیل کند. (موسویان، بی‌تا، ص ۲۰۲)

ساده‌ترین اوراقی که از اعطای تسهیلات اعتباری بانک‌های اسلامی ناشی می‌شود، اوراق مشارکت یا اوراق سهام در مشارکت‌های حقوقی و یا سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بانک‌داری اسلامی است، که دادوستد این اوراق در بازار سرمایه همانند سایر اوراق سهام به سهولت امکان‌پذیر است. (نجم‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۳) بانک‌ها در نظام اقتصاد اسلامی می‌توانند در عقود مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم در بازار بورس، میزانی از اوراق سهام شرکت‌های فعال در بازار سرمایه را خریداری کنند. همچنین بانک‌ها می‌توانند اوراق سهام خود را از

شرکت‌های سهامی که در بازار سرمایه عرضه کرده را به فروش برسانند و منابع مالی لازم جهت تأمین مالی خود از این بازار بردارند. مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم، روش‌هایی برای ورود بانک‌ها به بازار بورس است.

۳-۳. کارگزاری بانک‌های اسلامی در بازار سرمایه

بازار بورس اوراق بهادار، یکی از مهم‌ترین شیوه تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی به حساب می‌آید، توسعه حوزه کاری آن از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد؛ لذا، گسترش فعالیت بازار بورس اوراق بهادار در مناطق مختلف جغرافیایی، به ویژه در کشورهای بزرگ دنیا، فرآیند توسعه اقتصادی مناطق مختلف را شتاب بیشتر می‌بخشد، و مشارکت طیف گسترده‌تر مردم را در فعالیت‌های اقتصادی مولد امکان‌پذیر می‌سازد. هر موقع شرکت‌ها نتوانند به بازار بورس دسترسی داشته باشند، بانک‌ها می‌توانند در نقش «شرکت‌های کارگزاری بازار سرمایه»، ضمن کم کردن خطر سرمایه‌گذاری، دسترسی شرکت‌ها را به سرمایه مالی که نیاز دارند را از طریق بازار بورس امکان‌پذیر سازند. (میرمطهری، مجموعه مقالات هشتمین همایش کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، ص ۲۸۱)

به این ترتیب، بانک‌ها با گسترش فعالیت خود در زمینه کارگزاری بازار بورس، می‌توانند از گسترش بازارهای غیررسمی (خارج از بورس) بکاهند و باعث جلب و جذب بیشتر پس‌اندازکنندگان با سلیقه گوناگون گردد، و به توسعه بازار بورس مساعدت نمایند.

همچنین بانک‌ها می‌توانند با ارائه برخی خدمات مانند ضمانت ناشران اوراق بهادار و قبول سمت عاملیت در انتشار ابزارهای مختلف مالی، خدمات مناسبی به بازار بورس ارائه دهند، بانک‌های اسلامی می‌توانند از امکان معاملات آنلاین (برخط) ابزارهای مالی برای گسترش این گونه خدمات بازار بورس در شعبه‌های منتخب بانکی خود استفاده کنند.

۴. تعامل بورس با بانک‌های اسلامی

توسعه هرچه بیشتر بخش‌های مالی در گرو همکاری و هماهنگی حوزه‌های مختلف اقتصادی است هر کدام از این حوزه‌ها (مثل بورس و بانک)، علاوه بر وظایف و خدمات تخصصی خود، دارای مرز مشترکی در ارائه خدمات مالی است؛ به گونه‌ای که عملیات بازار بورس بر

فعالیت‌های نظام بانکی تأثیر می‌گذارد (تبریزی، رادپور، ۱۳۹۱، ص ۸۵)، به همین خاطر نحوه ارتباط این دو نهاد اقتصادی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. توسعه حجم دادوستد در بازار بورس، به افزایش سرمایه‌گذاری، تولید ملی و در نتیجه، پس‌انداز ملی منجر می‌شود و در نهایت، بر حجم فعالیت‌های بانکی تأثیرگذار خواهد بود و همین‌طور بالعکس. از این رو، در ادامه، به بیان راه‌ها و ابزارهای پولی و مالی برای ارتباط بازار بورس با بانک‌های اسلامی و کمک بازار بورس به تعمیق نظام بانکی می‌پردازیم.

۴-۱. تنزیل اسناد تجاری بورس در نظام بانکی

در بانک‌داری اسلامی «بیع دین» از جمله ابزارهای است که برای تأمین منابع مالی مورد نیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی، از طریق تنزیل اسناد اوراق تجاری متعلق به این قبیل واحدها به کارگرفته می‌شود؛ که به موجب آن بانک سفته، برات، یا هر سند مالی مدت‌داری را که ناشی از معامله واقعی باشد، خریداری می‌کند. در قانون، خرید دین (تنزیل) از جمله تسهیلات اعطایی کوتاه‌مدت جهت تأمین مالی نیازهای مالی واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی به‌شمار می‌رود. سررسید این نوع تسهیلات نمی‌تواند بیش از یک سال باشد، بنگاه‌های که در بازار بورس فعالیت می‌کنند، می‌توانند این اوراق را در بازار بین بانکی واگذار نمایند، مثلاً اوراق تجاری خویش را به صندوق‌های سرمایه‌گذاری فعال در بازار پول وابسته به بانک‌ها، بفروشند، بانک‌ها می‌توانند این اوراق را دوباره به اشخاص حقیقی و حقوقی بفروشند، این معامله از نظر فقهی، بلامانع است و هیچ مشکل شرعی ندارد. (نظرپور، و حقیقی ۱۳۹۲، ص ۲۳۸)

۴-۲. کمک به رتبه‌بندی متقاضیان تسهیلات بانکی

یکی از راه‌های ارتباطی بین نهادهای بورس و بانک‌های اسلامی، مساعدت در رتبه‌بندی درخواست‌کنندگان تسهیلات است. بازار بورس برای بهترین انتخاب و گزینش کردن گیرندگان تسهیلات می‌تواند به بانک‌ها کمک شایان نماید.

فرآیند این عملیات به این شکل خواهد بود که واحدهایی تجاری که تسهیلات درازمدت مشارکتی یا باریسک بالا را می‌خواهند برای به‌دست آوردن منابع مالی خویش، به بازار بورس

مراجعه خواهند کرد، و از راکد ماندن و ائتلاف منابع بانکی جلوگیری می‌نمایند، از این رو، یکی از الزامات انتشار اوراق بهادار با درآمد ثابت، مثل اوراق استصناع و مرابحه، تعیین «رتبه اعتباری» برای اوراق است (همان، ص ۲۴۰).

سرمایه‌گذاران بر اساس این رتبه‌های اعتباری و توان ریسک‌پذیری خود، در این اوراق سرمایه‌گذاری می‌کنند، با تعیین رتبه‌بندی نهادهای فعال در بازار بورس و افشای ریسک اعتباری این بنگاه‌ها، نظام بانکی با اطمینان بیشتری می‌تواند به این گروه از متقاضیان تسهیلات، تسهیلات ارائه کند. بازار بورس به بانک‌ها همکاری فراوان خواهند کرد، تا اطلاعاتی در باره بنگاه‌ها و واحدهای گیرنده تسهیلات، به دست آورند و این نوع همکاری نهادهای اقتصادی نشانه‌ای مکمل بودن همدیگر است.

۳-۴. تعیین نرخ سود سپرده‌ها توسط بازار بورس

رونق و رکود بازار بورس می‌تواند عوامل مختلف اقتصادی و سیاسی داشته باشد؛ از جمله نرخ بهره بانکی، سیاست‌های پولی و خدمات بانکی می‌توانند انگیزه سرمایه‌گذاری در بازار بورس را چند برابر افزایش دهند و فضای صحیح و سالمی را جهت مشارکت همه مردم در بازار بورس آماده سازند. در بسیاری از موارد، سودهای بخش بانکی و بازار بورس، بدون توجه به ریسک و عامل مالیات باهم مقایسه می‌شوند؛ از این رو، یکی از مباحث مهم تمام اقتصادها، رسیدن به ساختاری کارآمد برای «تعیین نرخ سود» است که نقش اساسی در رونق و رکود سرمایه‌گذاری‌ها و جذب سراهای اشخاص دارد. (همان، ص ۲۴۹).

در اقتصاد اسلامی، بهترین وضعیت برای اقتصاد، آن است که قیمت تمام کالاها و خدمات، از جمله کالاهای سرمایه‌ای، متناسب با عرضه و تقاضا و در بازار آزاد تعیین شود؛ زیرا امروزه تعیین نرخ بهره یا سود بانکی در بیشتر سیستم‌های بانک‌داری دنیا بر اساس مکانیزم بازار صورت می‌گیرد.^۱

یکی از تعاملات بازار بورس با نظام بانکی، معین کردن نرخ سود سپرده‌های بلندمدت و تسهیلات بانکی که به وسیله نرخ بازده اوراق مبادله‌ای، اوراق مشارکتی و اوراق سهام موجود در

۱. در مورد چگونگی تعیین نرخ سود بانکی، میان مکاتب اقتصادی وحدت نظر وجود ندارد. در این زمینه، طرفداران مکتب کلاسیک، بر نقش بازار سرمایه و طرفداران مکتب کینزی، بر نقش بازار پول در تعیین نرخ سود بانکی تأکید دارند.

بازار بورس اوراق بهادار است، زیرا ریشه و بنیان تحول بازار بورس، قیمت صحیح دارایی‌های مالی و سود واقعی بخش‌های مختلف اقتصادی است.

۴-۴. سرمایه‌گذاری وجوه مازاد در بانک‌های اسلامی توسط شرکت‌های بورسی

شرکت‌های بزرگ می‌توانند مدیریت دارایی‌های مالی کوتاه‌مدت خود را از طریق معامله با بانک‌ها و ورود به بازار پول، مثل بازار بین بانکی، مدیریت کنند و وجوه مازاد خود را از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک بازار پول، در دارایی‌های مالی کوتاه‌مدت، مانند اوراق بهادار و اوراق خزانه بازار پول، سرمایه‌گذاری کنند. صندوق‌ها برای اجرای مدیریت وجوه، می‌توانند «کارمزد مدیریت» از شرکت‌ها دریافت کنند.

شرکت‌ها به دلایل متعدد، وجه نقد مازاد موقتی دارند. دو دلیل مهم‌تر برای وجود این وجوه عبارتند از تأمین مالی فعالیت‌های فصلی یا چرخه‌ای و تأمین مالی مخارج سرمایه‌ای برنامه‌ریزی شده یا احتمالی.

الف) فعالیت‌های فصلی یا چرخه‌ای: الگوی جریان‌ات نقدی برخی شرکت‌ها قابل پیش‌بینی است. این شرکت‌ها در مقاطعی از سال، جریان نقدی مازاد دارند و در مقاطع دیگری از سال، با کسری جریان وجوه نقد مواجه‌اند. (وستر فیلد، جردن وراس، ۱۳۹۲، ص ۵۰۴؛ نظرپور، میثم حقیقی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۰).

این شرکت‌ها می‌توانند هنگامی که با جریان مازاد وجوه نقدی مواجه‌اند، به سرمایه‌گذاری این وجوه نقد در اوراق بهادار قابل فروش در بازار پول، مثل اسناد خزانه و اوراق گواهی سپرده قابل معامله، پردازد و در شرایطی که با کمبود جریان‌ات نقدی مواجه می‌شوند، این اوراق را در بازار پول بفروشند و نقدینگی مورد نیاز خود را از این بازار تأمین کنند.

ب) مخارج سرمایه‌ای برنامه‌ریزی شده یا احتمالی: شرکت‌ها، معمولاً در تأمین وجوه نقد مورد نیاز برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های خود (مثل ساخت کارخانه)، پرداخت سود نقدی و سایر مخارج چشم‌گیر، به‌صورت موقتی در اوراق بهادار قابل فروش سرمایه‌گذاری می‌کنند و ممکن است پیش از این که وجه نقد مورد نیاز باشد، اوراق بهادار یا سهام خود را منتشر کنند و عواید آن را در اوراق بهادار قابل فروش و کوتاه‌مدت بازار پول، سرمایه‌گذاری کنند و برای تأمین مالی مخارج خود، این اوراق را بفروشند. ممکن است شرکت‌ها با موقعیت‌هایی مواجه شوند

که به ناچار مقدار زیادی جریان نقدی خروجی داشته باشند. مثال عینی در این مورد، بازنده شدن شرکت در یک دعوای حقوقی است که ممکن است شرکت‌ها برای مواجهه با این موقعیت اقتضایی، مازاد وجه نقد مورد نیاز خود را افزایش دهند. (همان، ص ۲۵۲).

اگر شرکت‌های فعال در بازار سرمایه، مازاد وجوه نقدی داشته باشند، می‌توانند وجه نقد خود را از طریق صندوق‌های بازار پول، در اوراق بهادار کوتاه‌مدت بازار پول سرمایه‌گذاری کنند که علاوه بر گسترش نفوذ فعالان بازار سرمایه در بازار پول، سبب مدیریت نقدینگی این شرکت‌ها می‌شود. این شرکت‌ها می‌توانند وجوه مازاد خود را از طریق خرید اوراق بهادار کوتاه‌مدت بازار پول که از قدرت نقدشوندگی بالاتری نسبت به اوراق بلندمدت بازار سرمایه برخوردارند، مدیریت کنند.

منابع:

۱. تبریزی، عبده، رادپور، جایگاه بازار سرمایه و نقش آن در تعامل با صنعت بانکداری، نخستین کنفرانس بین‌المللی صنعت بانکداری و اقتصاد جهانی، زمستان ۱۳۹۱.
۲. الخالدی، محمود، مفهوم الاقتصاد فی الاسلام، بی‌جا، الناشر: دار الجیل للطبع والنشر والتوزیع، ۱۹۸۴.
۳. سلمان، سیدعلی، محصولات بازار سرمایه اسلامیک توسعه و چالش‌ها، ترجمه محمدمهدی صدر، سید محمدباقر، اقتصادما، مترجم: سید محمد مهدی، برهانی، قم: انتشارات دارالصدر، ۱۳۹۳.
۵. فرجی، یوسف، پول، ارز و بانکداری، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۶.
۶. موسویان، سیدعباس، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
۷. موسویان، سیدعباس، «ارزیابی قراردادهای شیوه اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا» مجله اقتصاد اسلامی، سال ۵، ش ۱۹، پاییز ۱۳۸۴.
۸. میر مطهری، سید احمد، بازار سرمایه و ابزارهای جدید تأمین مالی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: انتشارات مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۰.
۹. نجم‌آبادی، سید حسین مهدوی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۰. نظری‌پور، محمدنقی، حقیقی، میثم، ارتباط متقابل بانکداری اسلامی و بازار سرمایه، قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۲.
۱۱. نظری‌پور، محمدنقی، امکان‌سنجی اجرایی گواهی سپرده قابل معامله به‌عنوان ابزار عملیات بازار باز در نظام بانکداری بدون ربا» مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی ایران، س ۱۷، ش ۵۳، زمستان ۱۳۹۱.

۱۲. نظرپور، محمدنقی، سید ضیاءالدین کیاءالحسینی و میثم حقیقی، چگونگی ارتباط بانک‌ها با بازار سرمایه در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا، دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، س ۱۰، ش ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲.